

خواب شیرین فرهاد

روایتی از افسانه‌ی خسرو و شیرین نظامی

به قلم و روایت:

میثم هاشمی طباطبائی

سرشناسه	: هاشمی طبّا، مینم، ۱۳۶۲-
عنوان قراردادی	: خسرو و شیرین -- اقتباس‌ها Khosrow and Shirin -- Adaptations
عنوان و نام پدیدآور	: خواب شیرین فرهاد : (اقتباسی آزاد از افسانه‌ی خسرو و شیرین نظامی) / به قلم و روایت مینم هاشمی‌طبّا؛ ویراستاری عباس محمدی.
منتخبات بنشر	: تهران: سوشیانت، ۱۳۹۸.
منتخبات ظاهری	: ک، ۱۳۷، ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۴۰۰۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
عنوان دیگر	: اقتباسی آزاد از افسانه‌ی خسرو و شیرین نظامی.
موضوع	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۲۰ - ۴۶۱۲ ق، خسرو و شیرین -- اقتباس‌ها Nezami, Elias - ibn - Yusuf. Khosrow va Shirin -- Adaptations :
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۲ th century ۲۰ Persian fiction -- :
شناسه افزوده	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۴۵۲۰ - ۴۶۱۲ ق، خسرو و شیرین
رده بندی کنگ	: PIRAT
رده بندی دی	: ۶۲/۸۴۲
شماره کتابخانه استو	: ۵۹۲۸۰۰۸



انتشارات سوشیانت

خواب شیرین فرهاد: (اقتباسی آزاد از افسانه‌ی خسرو و شیرین نظامی) / قلم و روایت مینم هاشمی‌طبّا.

ویراستاری و صفحه‌آرایی: عباس محمدی

طراح جلد: مینم هاشمی‌طبّا

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۸، ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۴۰-۳-۸

قیمت: ۴۰۰.۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، تهرانپارس، خیابان ۱۹۶ شرقی، خیابان ۱۳۳ شمالی، پلاک ۲۴۰، طبقه دوم تلفن: ۷۷۳۳۹۹۱۱

* تمامی حقوق این اثر برای انتشارات سوشیانت محفوظ است؛ هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلی و جزئی به هر صورت (چاپ، تکثیر، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

سخنی با خوانندگان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (احزاب/۷۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوئید.

بی‌شک یکی از شاخص‌ترین دوران تاریخی ایران، دوران ساسانی است. ساسانیان بیش از چهار سده، قدرتمندترین امپراتوری جهان بودند و بزرگترین میراث آنان، شکل‌گیری مفهومی به نام ایران بود تحت عنوان یک فرهنگ و یک ملت. آنان خود را جانشین هخامنشیان می‌دانستند که بعد از دوره‌های آشفتگی "هیلنی" و "اشکی"، راه بازگرداندن عظمت ایران تلاش کردند. در این دوره، هنر در شاخه‌های گوناگون شکوفا شد و به بار نشست. برای نخستین بار تاریخ ملی ایران به نام "خدای زمه" در این دوره تدوین شد و بعدها شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی از آن نشأت گرفت.

ساسانیان در معماری نیز پا فراتر از سینیان گذاشتند و آثاری فاخر در فارس و لرستان و خراسان و دیگر نقاط ایران به یادگار مانده. آنها با تمام احترامی که برای معماری هخامنشی قائل بودند، ولی ارزش آنها را پی نگرفتند و بیشتر تحت تأثیر معماری روم و بیزانس، آثار قابل توجهی ساختند. شاید دلیل آن، عدم دسترسی به مصالحی چون سنگ و چوب و وفور مصالح خاکی و خاک بود. در این دوره، ما برای اولین بار شاهد خلق طاق‌های مدوری هستیم که نام آنها "مید" یا دهانه‌هایی بزرگ و بدون ستون که شاخص‌ترین آن، ایوان مدائن است. با ظهور اسلام به ایران، معماری ساسانی تکامل یافت و معماران با همان سیاق، ولی تحت دوره‌های دینی، آثار قابل توجهی آفریدند.

یکی دیگر از جنبه‌های هنری دوره‌ی ساسانی، داستان‌سرایی کاتبان است از سرگذشت پادشاهان. یکی از داستان‌های جامانده از آن دوران، روایت عشقی میان "خسرو پرویز"، فرزند هرمز؛ شاه ایران و "شیرین"، شاهزاده‌ی ارمنستان است. اول بار، فردوسی با تکیه بر جنبه‌های حماسی، آن را می‌سراید و پس از او، نظامی گنجوی به سفارش سلطان سلجوقی این داستان را به نظم درمی‌آورد. نظامی تحت تأثیر روایت فردوسی و نیز منظومه "ویس و رامین"، طی شانزده سال، اثری عاشقانه‌ی آفرید. آنگونه که حاصل کتابت خود را شیرین‌ترین داستان دنیا می‌داند. این اثر که تقدیم شما خوانندگان جان شده، برداشتی آزاد از همان داستان است. افسانه‌ای که پا در میانش نهاده و در عالم خیال، پرورانده‌ام.

آنچه مرا واداشت و یا بی‌تر بگو، ترغیب کرد تا آنرا به نگارش درآورم، بی‌شک ریشه در گذشته‌ای دارد که مانده‌ی عشق شده...

در خانواده‌ی ما، آنچه نو به نو می‌رسید، کتاب بود. هر یک از اعضای خانواده، به موجب حرفه و شوق و سلیقه، کتابهایی می‌خریدند و به خانه می‌آوردند و ماحصل آن، کتابخانه‌های بزرگی بود در اطاقی که چراغان هیچ‌گاه خاموش نمی‌شد.

پدرم به موجب استادی در ادبیات و زبان عرب، کتاب‌های "الجد" و "فرهنگ دهخدا" دو عضو جدانشدنی از او بودند. آنها را در کنار دانش و دایره‌ی کتاب‌ها را توری می‌کرد. به شاهنامه گریزی می‌زد و دلتنگ مولانا می‌شد.

در سوی دیگر خانه، مادرم با آن روحیه‌ی لطیف و بهاری، عمدتاً از سرایب می‌خواند. هشت کتابی که روح خسته‌ی آدمی را می‌نوازد. مادرم شیفته‌ی حافظ هم بود. چشمانش را می‌بست، زیر لب، نیت می‌کرد و دیوان می‌گشود. اگر بر مراد می‌آمد، خشنود بود و اگر نه، فال دیگری می‌گرفت.

و اما برادرانم. آنها با هیجان و شور جوانی، پیگیر آثار احمد شاملو و صادق هدایت و زرین کوب بودند. من هم چون خوشه‌چینی، در پی آنها دوان.

در عنفوان کودکی و پیش از آموختن الفبای شیرین پارسی، کتاب‌های مصور همواره برایم جذاب بود. پیش از ورود به مدرسه، با کتاب‌های "تن تن" شروع کردم و پس از آن، با رمان‌های "ژول ورن" و "صادق چوبک" ادامه دادم تا آنکه یکی از برادرانم، سه‌گانه‌ی "کمدی الهی" را به خانه آورد. کتابخانه‌ها دیگر جایی نداشت. کتاب‌ها روی هم انباشته بود و بالاچار آن‌ها را در گوشه‌ای از میز گذاشت. تصویر سیاه قلم روی جلد، از مردمانی در ناکجا آباد، مرا کنجکاو کرد تا آن را ورق بزنم. کتاب را برداشتم و با "دانته" همراه شدم در سفر به دوزخ، برزخ و بهشتی که در خیال خود ساخته بود. هفته‌ها ذهنم درگیر آن کتاب بود تا آنکه نوبت به شاملو رسید. بدو دارم که در آن دوران، مجموعه کتاب‌های "کوچه"، تازه چاپ شده بود و برادرم مدام پیگیر بود تا جلد بعدی آن را تهیه کند و این انتظار به من هم سرایت کرده بود. از "کوچه" گذشت و به "گلستان" سعدی رسیدم. آن مجموعه‌ی بی‌نظیری که همه‌ی ما به او وامداریم با خواندن آن، حسرتی به سراغم آمد که ای کاش پیش‌تر، این گنجینه امثال و حکم را دیده بودم. بگذریم...

در همان دوران (که تقریباً دوم یا سوم دبیرستان بودم)، معلمی داشتیم برای درس ادبیات که عمدتاً خارج از چهارچوبِ کتاب‌خوانی درس می‌داد. در یکی از جلسات، اشارتی کرد به منظومه‌ی نظامی و قسمی از داستان خسرو و شیرین را برایمان خواند. من با گوش‌هایم می‌شنیدم و در ذهن، تصاویر آن را می‌ساختم. داستان هنوز به نیمه نرسیده بود که زنگ به صدا درآمد. تا آن زمان هیچ وقت از تعطیلی کلاس آنقدر کلافه نشده بودم. کنجکاوِ خاتمه‌ی داستان بودم و نتوانستم جلسه‌ی بعد صبر کنم. به کتابخانه "حسینیه ارشاد" رفتم، منظومه نظامی را امانت گرفتم و داستان را به انتها بردم.

از آن روزها، هفده سال می‌گذرد و من همچون گذشته، آن شورِ نوجوانی را با خود به دوش می‌کشم.

مجموعه‌ی پیش‌رو، برداشتی آزاد از همان منظومه است، داستان خسرو و شیرینِ نظامی. حضور برخی اشخاص و کنش‌های آنان، زاییده‌ی ذهن است. هرچند تلاش کرده‌ام از چهارچوبی که نظامی فقید برای منظومه‌اش آفریده، خارج نشوم و تاریخ را زیر پا نگذارم.

اما دارم که شما عزیزانِ جان و خوانندگانِ شریفِ این کمترین اثر، با قصه همراه شوید، انتی از عشق ببرید و ساعتی در گذشته‌ی ایرانِ کهن، سیر کنید.

م. هاشمی طباطبائی

پایان ۱۳۹۰

فهرست حکایات

<u>صفحه</u>	<u>حکایت</u>
۱	آشوب
۳	هرمز
۹	بهرام چوبینه
۱۱	تبعیدگاه خسرو
۱۵	بازگشت خسرو به قصر
۱۹	بازگشت به مدائن
۲۱	تاجگذاری خسرو
۲۷	وداد و دگر
۲۹	بین خاموشان
۳۱	پیشاپیش بهرام برای خسرو
۳۵	دیدار خسرو با بهرام چوبینه
۳۹	بازگشت به قصر
۴۱	دیدار با شیرین
۴۸	رفتن شاپور به نزد شیرین
۵۱	بازگشت شاپور به نزد خسرو
۵۳	دیدار شاپور و فرهاد کوهکن
۵۵	نخستین دیدار فرهاد و شیرین
۵۹	شروع به کار فرهاد
۶۱	خسرو در انتظار روزهای خوش
۶۳	شیفتگی فرهاد در تراشیدن سنگ
۶۷	دیدار روشنگ و فرهاد
۶۹	بازگشت فرهاد به نزد شیرین
۷۳	فراغت خسرو از کشورداری

حکایت

صفحه

۷۷	پایان کار جوی
۸۱	هدیه خسرو برای شیرین
۸۳	وصلتی شیرین
۸۷	دیدار خسرو و شیرین
۸۹	خواستار شیرین
۹۱	استان روشنگر
۹۳	بازار بده فروشان
۹۷	دیدار شیرین و روشنگر
۹۹	سوگ پدر
۱۰۱	داغ فرهاد
۱۰۲	اردوگاه بهرام
۱۱۱	مهیّا شدن شیرین برای خسرو
۱۱۳	سوء قصد به جان خسرو
۱۱۵	محاكمه‌ی فرهاد
۱۱۷	فرهاد در انتظار مرگ
۱۱۹	رهایی از بند
۱۲۱	محاكمه‌ی شیرین
۱۲۳	حکم موبدان
۱۲۹	دیدار شاپور و بهرام چوبینه
۱۳۱	کودتا
۱۳۵	پایان شب تار
۱۳۷	پادشاهی دیگر